

تاریخ خونین جنبش چپ و کمونیستی ایران

## فراگیرترین جنبش

### توده ای در آذربایجان

گفتگو با محمد علی عموی

**آیا حزب توده با جنبش آذربایجان ارتباط داشت؟**

عموی: بله، کاملاً. در واقع شعبه ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان بدون مشورت با مرکز حزب، به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست.

**آیا این اقدام با تصمیم حزب بود یا در آذربایجان به طور مشخص تصمیم گیری شده بود؟**

عموی: رهبری حزب چنین تصمیمی اتخاذ نکرده بود ولی جنبش فرقه آذربایجان به قدری فراگیر و همه‌گیر شده بود و خود مردم آذربایجان و کسانی که عضو حزب بودند چنان تحت تاثیر این جنبش قرار گرفته بودند که خود طالب چنین امری بودند و به همین دلیل شعبه حزب در آنجا به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست، بدون این که حزب در این مورد تصمیمی گرفته باشد. اما بعد از این پیوستن، حزب توده ایران با تمام توان از فرقه دموکرات پشتیبانی می‌کرد. چنان که بسیاری از اعضای سازمان نظامی حزب که فعالیت مخفی داشتند (خود حزب علنی و سازمان نظامی آن مخفی بود) برای شکل‌گیری ارتش آذربایجان راهی آنجا شدند. چه کسانی که در قیام گنبد و خراسان دست به عمل زدند و پس از خلع سلاح پادگان «مراوه تپه» در گنبد سرکوب شدند و چه افسران دیگری که از مرکز توسط سازمان نظامی حزب به آذربایجان فرستاده شدند و ارتش فرقه را سازماندهی کردند، همگی به فرقه دموکرات پیوستند. مثلاً فرقه، نیروی هوایی نداشت و افسران نیروی هوایی سازمان نظامی حزب، هواپیما را در آنجا فرود می‌آوردند و خلبان آنجا می‌شدند. بسیاری از این افراد خاطرات و چگونگی رفتن خود به فرقه دموکرات، حیات سیاسی و ماجراهایی را که به دنبال شکست فرقه برایشان پیش آمده نوشته‌اند.

**علاوه بر پیشه‌وری چه کسانی فرقه دموکرات آذربایجان را به وجود آورده بودند؟**

عموی: چهره‌هایی نظیر غلام یحیی دانشیان، چشم آذر، شبستری، جاوید، فریدون ابراهیمی، کاویانی، بی‌ریا و...

**در واقع در این دوران علاوه بر حزب توده ایران، فرقه دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان نیز وجود داشت. آیا در نقاط دیگر کشور، مثلاً خراسان جریان چپ مارکسیستی وجود داشت؟**

عموی: این‌ها چپ مارکسیستی نبودند. مثلاً فرقه دموکرات آذربایجان بر مبنای کسب حقوق دموکراتیک خلق آذربایجان در چارچوب تمامیت ارضی ایران پدید آمد. در واقع خواستار یک نوع خود مختاری بود و یا حزب دموکرات کردستان در پی نزدیک به یکصد سال مبارزات خلق کرد برای حقوق طبیعی خود تلاش می‌کرد.

**بنابراین ایدئولوژی آنها چپ مارکسیستی نبود، پس چرا به شوروی وابسته بودند؟**

عموی: آن‌ها ابداً چپ مارکسیستی نبودند، با این که پیشه‌وری در راس جریان بود و کادرهای توده ای و مارکسیست بین آن‌ها وجود داشت اما اهداف و برنامه‌های آن‌ها کاملاً یک برنامه ملی در زمینه حقوق دموکراتیک خلق آذربایجان بود. دل‌بستگی آن‌ها به اتحاد شوروی هم ناشی از شناخت ماهیت آن کشور بود.

آیا افرادی را که نام بردید و در راس فرقه دموکرات آذربایجان قرار داشتند هیچکدام مارکسیست نبودند؟

عموئی: به جز پیشه‌وری و دانشیان، ابراهیمی و آزاد وطن که مسئول کمیته ایالتی حزب در آذربایجان بود و به فرقه پیوست، بقیه افرادی معمولی و کاملاً عادی بودند. در دهه 20 یگانه سازمان سیاسی مارکسیست لنینیست، حزب توده ایران بود و هیچ جریان چپ دیگری وجود نداشت. منتها باید به این مطلب اشاره کنم که در سال‌های 23 و 24 و 25 یک گروه کوچک به نام «کروژوک‌های مارکسیستی» (محل‌های مارکسیستی) بوجود آمد. این محل‌ها توسط باقر امامی معروف به «نورو امامی» پدید آمد، این گروه‌ها معترض بودند که چرا حزب توده ایران صریحاً نمی‌گوید که مارکسیزم لنینیسم ایدئولوژی حزب است و به همین دلیل که خود را صریحاً مارکسیست لنینیست مطرح می‌کردند نمی‌توانستند به حزب توده ایران بپیوندند. البته بعدها چهره‌های برجسته آن‌ها به طرف حزب آمدند. بقایای این محل بعد از گذشت سال‌ها به صورت سازمان «ساکا» سازمان انقلابی کمونیستی ایران (در دهه 40 شکل‌گیری شد که سازمانی کوچک بود).

آیا افراد معروفی در سازمان ساکا حضور داشتند؟

عموئی: باقر امامی، دکتر فشارکی و فیروز گوران که فردی مطبوعاتی بود در ساکا حضور داشتند. این‌ها تحت عنوان کروژوک‌های مارکسیستی مطالعات مارکسیستی و کار فکری می‌کردند و سازماندهی گسترده‌ای نداشتند. گروه دیگر، انشعابیون خلیل ملکی بودند که پس از گذر از مراحل گوناگونی به صورت «جامعه سیوسیالیست‌ها» درآمدند و با بین‌الملل دوم درآمیختند.

راه توده 120  
22.01.2007